

کاوشی در «مقسم به» های قرآن کریم (اهمیت سوگندهای قرآن از لحاظ مقسم به و مقسم له)

خلیل بهرامی قصرچمی

مقدمه

جهان آفرینش تجلی رحمانیت خداوند است و جایی است که تمام وسایل لازم برای سیر استکمالی بشر فراهم شده است. لذا سوگندهای او نیز از همین صفت نشأت گرفته است و برای رسیدن بدان غایت می باشد.

انسان می تواند با توجه به اهمیت «مقسم به» ها و کمک گرفتن از آنها برای رسیدن به ایقان و ایمان که در صورت «مقسم له» ها و جواب های سوگندها آمده است، استفاده کند. در واقع هر مقسم بهی چون حایلی است که تکیه فکری و عملی بدان، انسان را به وصال حق نایل خواهد نمود.

البته باید دانست که خداوند رحمان را نیازی به سوگند نیست ولی ارحم الراحمین بودن آن ذات اقدس اقتضا دارد که همه عوامل هدایت را - حتی اگر به صورت سوگند باشد - فراهم نماید تا شاید کوتاه فکرترین افراد و آنانی که در منجلا ب کفر و شرک و فساد غوطه ورنند نیز به قهر خداوند دچار نگردند و به سعادت و ساحل نجات نایل آیند.

۱- در اصطلاح پژوهش های قرآنی «مقسم به» به معنی مواردی است که خداوند بدان قسم خورده است و «مقسم له» آنچه است که به جهت اهمیت آن، قسم یاد شده است.

این مهربانی باری تعالی را در گسیل حضرت موسی و هارون علیهم السلام می بینیم که حتی حاضر نیست فردی چون فرعون به عذاب خشم و غضب او گرفتار آید. تمام عوامل هدایت او را فراهم نموده و به رسول خود می فرماید با او در آغاز با قول لَئِن سَدِيدٌ صَحْبَتٌ كُنْدُ؛ «لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى»؛ باشد که متذکر شود یا از اعمال خود در برابر حق بترسد و هدایت گردد.

* * *

سوگندهای باری تعالی را در قرآن کریم می توان دارای دو فایده مهم دانست؛ یکی تأکید روی یک مطلب بسیار مهم که اعتقاد و توجه بدان از مسایل مهم و اساسی جهان بینی بشر است و بدون آن، هدف و برنامه ای صحیح برای رسیدن بدان هدف، حاصل نمی شود؛ و دیگر بیان عظمت «مقسم به» یعنی چیزی است که بدان سوگند یاد شده است زیرا هیچ کس به موجودات کم ارزش و بی اهمیت سوگند یاد نمی کند. این نکته نیز باید مورد توجه قرار گیرد که تمام آفرینش و اجزای آن دارای اهمیت وجودی است و واجب الوجود ضرورت وجودی آن را ایجاب کرده و به منصفه ظهور رسانده است و هیچ چیز در این گردون عبث نخواهد بود و این اهم و مهم نمودن از طرف انسان است که طبق سلیقه خود بعضی را بهای بیشتر و بعضی را ارزش کمتری قابل است، چون هر فردی از آدمی ارزش هر چیزی را در طیف نیازهای روحی و مادی خود می سنجد و گرنه در این جهان هیچ مهره ای هرز و بیهوده نیست و شایستگی آن را دارد که وجود از طرف حق «مقسم به» واقع شود.

خداوند خود حق است و هر آنچه از او صادر شده نیز حق می باشد لذا در هر سوگندی به حقیقت یکی از حقایق، برای اثبات حقی دیگر سوگند یاد شده که جلوه خاصی در هدایت بشریت به سوی حق دارد.^۱

۱- نتیجه کلی دیگر که می توان از آیات قرآن و بیانات ائمه اطهار علیهم السلام و پژوهش های محققان اسلامی گرفت این است که سوگندهای قرآن بزرگ ترین و عالی ترین وسیله و عامل گرایش افکار و عقول انسان است به تحقیق در ژرفای مسایل و موجودات جهان، تا از رهگذر این کوشش ها و پژوهش ها درهای علوم و دانش هایی را به سوی جامعه انسانی بکشایند و خود و جامعه را از جهل و ظلمت و

در این جا بهتر آن است مواردی از سوگندها را که در قرآن کریم آمده از نظر مقسم به و مقسم له بررسی نماییم تا با همراهی با این کلام معجز، خود را بهتر به هدف رهنمون سازیم.

۱- سوره مبارکه «صافات» نخستین سوره قرآن کریم است که اولین آیات آن با سوگند شروع می شود؛ سوگندهایی پر معنا و اندیشه انگیز؛ سوگندهایی که فکر انسان را همراه خود به جوانب مختلف این جهان می کشاند و آماده پذیرش حقایق می نماید.

همان گونه که قبلاً گفته شد، درست است که خداوند از همه راستگویان، راستگوتر است و نیازی به سوگند ندارد - به علاوه اگر برای مؤمنان باشد، که آنها بدون سوگند تسلیمند و اگر برای منکران باشد، آنها که اعتمادی به سوگندهای الهی ندارند - ولی باید توجه داشت که دو نکته زیر در تمام آیات قرآن، مشکل سوگند را حل خواهد کرد:

الف - همیشه سوگند را به امور پر ارزش و مهم یاد می کند. بنابراین سوگندهای قرآن دلیل بر عظمت و اهمیت اموری است که به آنها سوگند یاد شده و همین امر سبب اندیشه هرچه بیشتر در مقسم به، یعنی چیزی که سوگند بدان یاد شده است می گردد و اندیشه انسان را به حقایق آشنا می سازد.

ب - سوگند همیشه برای تأکید است و دلیل بر این است که مقسم له، یعنی اموری که برای آنها سوگند یاد شده از اموری جدی و مؤکد است که اعتقاد به آنها، پایه های جهان بینی و ایدئولوژی انسان را روشن خواهد ساخت.

→ رکود فکری رهاننده و آفریننده عالم، قادر، حکیم و مدبر آنها را به نیکی بشناسند. خداوند بدین وسیله با سوگندهای خود در قرآن، انگیزه کنجکاوی را در بشر به وجود آورده تا او دستگاه عظیم خلقت را بشناسد و اسرار آن را کشف نماید و با استفاده از این رموز، زندگی فردی و اجتماعی و مادی و معنوی خود را به سوی عالم نور، متحول سازد.

در یک سخن باید خلاصه کرد که سوگندهای خداوند کریم در قرآن، کلید دانش هاست (*) و یکی از معجزات بزرگ علمی این کتاب آسمانی است که بر تارک اعصار می درخشد. (**)

* الجواهر، طنطاوی، ج ۲۵، ص ۲۵۸.

** سوگندهای قرآن کریم، ابوالقاسم رزاقی، ص ۵۳ (با تصرف و تلخیص).

از این گذشته هرگاه گوینده، سخن خود را قاطعانه بیان کند، از نظر روانی در قلب شنونده بیشتر اثر می‌گذارد. مؤمنان را قوی‌تر و منکران را نرم می‌سازد. به هر حال در آغاز سوره «صافات» به نام سه گروه سوگند یاد شده است: آنها که صف کشیده‌اند؛ آنها که قویاً نهی می‌کنند؛ و آنها که پی در پی ذکر الهی را تلاوت می‌کنند.^۱ و این همه باعث درنگ انسان در عالم ملک و ملکوت است تا وی را به نجات و رستگاری برساند.

۲- سوره مبارکه «ص» دومین سوره‌ای است که با سوگندهای مکرر آغاز می‌شود؛ سوگندهای بیدارکننده و آگاهی بخش. بسیاری از سوره‌های قرآن چنین است و جالب این که این سوگندها غالباً مقدمه‌ای است برای بیان مسأله معاد. جز در مواردی که با مسأله توحید و غیر آن مربوط می‌شود. و نیز جالب این که محتوای این سوگندها ربطی خاص با محتوای رستاخیز دارد و با ظرافت و زیبایی مخصوصی این بحث مهم را از جوانب گوناگون تعقیب می‌کند.

۳- در سوره مبارکه «ذاریات» خداوند به پنج موضوع مختلف سوگند یاد کرده است که چهار مورد آن پشت سر هم و یک مورد به صورت جداگانه است. خداوند با آن عظمت و قدرت به جای اطمینان دادن به بندگان شکاک و دیرباور... سوگند یاد می‌کند، باشد که اینان نیز به ورطه هلاکت نیفتند.

۴- سوره مبارکه «طور»، یکی دیگر از سوره‌هایی است که با سوگند شروع می‌شود؛ سوگندهایی برای بیان یک واقعیت مهم یعنی مسأله قیامت و معاد در رستاخیز و محاسبه اعمال انسان‌ها.

اهمیت این مسأله (قیامت) - همان گونه که گفته شد - به قدری است که در آیات مختلف به بسیاری از مقدسات برای حقانیت وقوع آن سوگند یاد شده تا عظمت آن روز، هویدا شود.

پنج سوگندی که در آغاز این سوره به چشم می‌خورد معانی سر بسته و تفکر

انگیزی دارد که مفسران در تفسیر آنها به همه جا دست افکنده‌اند.

در این سوره سوگند به کتابی خورده شده که بر صفحه‌ای از بهترین صفحات نگاهشته شده و در عین حال باز و گسترده است، نه پیچیده. سه سوگند نخست از آیات تشریحی سخن گفته و دو سوگند بعد از آیات تکوینی سخن می‌گوید.

یکی از این دو سوگند به مهم‌ترین نشانه‌های توحید، یعنی آسمان با عظمت اشاره دارد؛ و دیگری به یکی از نشانه‌های مهم معاد که در آستانه رستاخیز رخ می‌دهد. بنابر این توحید و نبوت و معاد، در این پنج سوگند جمع است. ارتباط این قسم‌ها و موضوعی که برای آن قسم یاد شده (مقسم له) این است که سوگندهای فوق بر محور قدرت خداوند در عالم تکوین و تشریح دور می‌زند و بیانگر این است که چنین کسی به خوبی قادر است مردگان را بار دیگر به زندگی و حیات بازگرداند و قیامت را برپا کند. این همان چیزی است که سوگندها به خاطر آن یاد شده است، همان‌گونه که در آخرین آیات می‌خوانیم: ﴿إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ﴾.

۵- در سوره مبارکه «نجم» خداوند به موجودات عظیمی از جهان خلقت سوگند یاد می‌کند. در آیات دیگر قرآن نیز به خورشید و ماه و مانند آن سوگند یاد شده است. تکیه بر غروب آنها - در حالی که طلوع آنها بیشتر جلب توجه می‌کند - به خاطر آن است که غروب ستارگان دلیل بر حدوث آنها می‌باشد و نیز دلیلی است بر نفی عقیده ستاره پرستان؛ همان‌گونه که در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام آمده است. بنابر این خداوند هم به طلوع ستارگان سوگند یاد کرده و هم به غروب آنها؛ چرا که طلوع و غروب دلیل بر حدوث و اسارتشان در چنگال قوانین خلقت است. این سوگند برای این یاد شده که هرگز دوست شما، محمد صلی الله علیه و آله منحرف نشده و مقصد را گم نکرده است.^۱

۱- ﴿مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى﴾، نجم/ ۱-۲.

۶- در سوره مبارکه «قلم» خداوند هم به ابزار نوشتن (والقلم) و هم به محصول آن (و مایسترون) سوگند یاد کرده است، زیرا «قلم» تضمین کننده سعادت حیات بشری است، و «مایسترون» برای اتصال میراث گذشتگان به آیندگان؛ و هم برای این که قرآن که خود حاصل قلم حق تعالی است بهترین گواه عدم جنون آورنده آن است - هر چند کور دلان برای گرمی بازار فریب و ریای خود چنین نسبت های پوچی را به او می دهند.

۷- در سوره مبارکه «قیامت» سوگند یاد شده که روز قیامت و رستاخیزی هست. این سوگند به خاطر آن است که مسأله رستاخیز آن چنان مسلم شمرده شده که حتی در برابر منکران نیز می توان به آن سوگند یاد کرد.

۸- در آیات سوره «مرسلات»، در بخش نخست به بادهای و توفان ها سوگند یاد شده است؛ به خاطر نقش مهمی که بادهای و توفان ها در جهان آفرینش دارند؛ ابرها را به حرکت در می آورند سپس آنها را بر فراز زمین های خشک و مرده پیوند می دهند و بعد از نزول باران آنها را متفرق می سازند. بذرها را گیاهان را جابه جا می کنند و جنگل ها و مراتع را به وجود می آورند و بسیاری از گل ها و میوه ها را بارور می سازند و حرارت و برودت را از مناطق مختلف زمین به نقاط دیگر می برند و هوا را معتدل می کنند و هوای زنده و پر اکسیژن را از مزارع و صحراها به شهرها می برند و هوای آلوده را برای تصفیه به صحرا می فرستند. آب های دریا را متلاطم و موج و برای موجودات زنده آبرزی پر از اکسیژن می کنند. آری! بادهای و نسیم ها خدمات عظیم و حیاتی در جهان دارند.

در بخش دیگر، از نزول وحی به وسیله فرشتگان یاد می شود. چون نزول وحی در عالم معنی با وزش نسیم در عالم ماده شباهت دارد. فرشتگان کلمات وحی را که همچون قطرات باران زنده کننده است بر قلوب پیامبران خدا نازل می کنند و میوه های معارف الهی و تقوا را در قلب ها می رویند.

به این ترتیب خداوند هم به مربیان این عالم و هم به مربیان عالم معنی سوگند یاد کرده است.

جالب این که این سوگندها برای بیان واقعیت روزی است که تمام این تلاش ها و کوشش ها به ثمر می‌نشینند؛ یعنی «روز قیامت و یوم الفصل».^۱

۹- در سوره «ذاریات» خداوند سوگند خورده و فرموده است: ﴿فَو رَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ الْحَقُّ﴾، این سوگند دلالت دارد بر این که خداوند متعال که ربّ و مدبّر آسمان و زمین است، مبدأ رزق مرزوقین هم هست.

۱۰- در سوره «حجر» در مورد مستی کفار، همانند سوگند بر گمراهی و کوری آنان، سوگند یاد کرده و فرموده است: ﴿لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾^۲ دلیل آن را نیز بیان فرموده و آن جان پیامبر ﷺ است؛ جانی که طاهر و به عصمت خدایی، مصون از هر نقص است و معلوم است که مخالفین چنین پیامبر معصومی، در مستی و سرگردانی به سر می‌برند.

۱۱- در سوره مبارکه «انشقاق» خداوند متعال به شفق و شب و آنچه را که جمع آوری می‌کند و بدر کامل، سوگند یاد می‌کند؛ مقسم به‌هایی که مربوط به هم‌اند و ربوبیت حق تعالی را در نظام آفرینش و قدرت لا یزال او را در ترکیب بدیع جهان خلقت - که هیچ وقت بر اثر تکرار ملالی را ایجاد نمی‌کند و کهنه نمی‌شود - می‌رساند؛ شاید که قفل‌ها از قلوب باز شود و اندیشه از حسیض تن رها گردد و غافلان بیندیشند و از نردبان ترقی صعود نمایند.

این سوگندها چه تناسب عجیبی با جواب خود دارند؛ عناصری که نظام طبیعت را تشکیل می‌دهند، با جریان خود شرایط ترقی انسان را فراهم می‌نمایند تا او دائماً از وضعی و حالتی به وضع و حالتی بالاتر و با رونق‌تر پیش رود^۳ و به غایت و هدف خود که برایش مقدر شده است، برسد.

۱۲- در سوره «تین» خداوند به سرزمین شام و بیت‌المقدس^۴ و طور سنین و شهر

۱- ﴿إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَوَاقِعٍ﴾؛ هر آینه هر آنچه به شما داده شده است واقع شدنی است.

۲- حجر / ۷۲.

۳- ﴿لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ﴾؛ که شما دائماً از حالی به حال دیگر منتقل می‌شوید. انشقاق / ۱۹.

۴- تین و زیتون نیز تفسیر شده است و فواید آنها را ما در محل خود آورده‌ایم.

مکه سوگند یاد کرده و بیان داشته که «ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم» ولی او به علت انتخاب بد به پایین‌ترین مرحله بازگردانده شد.

خداوند در این سوره به سرزمین‌هایی که انبیا و اولیای الهی در آن به هدایت پرداخته‌اند سوگند یاد کرده است و به این جهت خلقت انسان را مطرح کرده است که انسان در شرایط لازم و کافی برای پیروی از رسالت انبیا و طی نمودن طریق هدایت قرار گرفته و تقویم یافته است و این خود اوست که باید خود را در مصب الطاف و فیوضات حق قرار دهد تا به کمک استعدادهای و قوای فطری خود به سعادت برسد و...^۱

ما به یمن عدد کامل اثنی عشر (۱۲) - که عدد اولیای حق بعد از ختم رسل می‌باشد - موارد مذکور را آوردیم، زیرا که پیروی از قرآن و عترت پاک حضرت ختمی مرتبت ﷺ تنها راهگشای بهشت رضوان حق است و تمام سوگندها در قرآن این حقیقت را اشعار می‌دارد.

یکی از چهره‌های اعجاز این کتاب آسمانی همانا قَسَم‌های آن و روابط پیچ در پیچ آنها با هم و با عناصری است که به آنها سوگند یاد شده است که از زیباترین و درخشان‌ترین فرازهای آن است و ان‌شاءالله شرح هر کدام به عون و توفیق حضرتش در جای خود خواهد آمد.

یکی دیگر از وجوه این اعجاز، تشویق و تحریص مردم است نسبت به شناخت طبیعت و خلقت که به‌طور غیر مستقیم ترغیبی است نسبت به تحصیل علوم طبیعی و پرورش بُعد عقلانی و قوه فاکره و استفاده از آنها در جهت درک حقایق هستی و فراهم نمودن زمینه کار و تلاش در دنیا به‌عنوان مزرعه آخرت، برای نیل به کسب رضایت حق.

استقصای سوگندهای قرآن کریم

■ سوگند به خداوند:

- ۱- ﴿تَاللّٰهِ لَئِن لَّمْ يَکْفُرْ بِنِعْمَتِنَا لَأَرْسِلَنَّ مِنْ سَمَوَاتِنَا مَطَرًا مِّنْ سَمَوَاتِنَا يَصِفُّهُمْ حِفْظًا﴾، نحل / ۵۶.
- ۲- ﴿تَاللّٰهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّنْ قَبْلِكَ فزین لهم الشیطان اعمالهم فهو ولیهم الیوم و لهم عذاب الیم﴾، نحل / ۶۳.
- ۳- ﴿فَلَا أَسْأَلُكَ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ عَلَىٰ أَنْ نَبْدِلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَ مَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ﴾، معارج / ۴۰.
- ۴- ﴿فَلَا وَ رَبِّكَ لَا یُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ یحکموک فیما شجر بینهم...﴾، نساء / ۶۵.
- ۵- ﴿فَو رَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَ الشیاطین...﴾، مریم / ۶۷.
- ۶- ﴿وَ قَالَ الَّذِینَ کَفَرُوا لَا تَأْتِنَا السَّاعَةُ قُلْ بَلٰی وَ رَبِّی لَتَأْتِیَنَّکُمْ عَالَمٌ الْغِیْبِ﴾، سبأ / ۳.
- ۷- ﴿وَ یَسْتَنْبِؤْنٰکَ أَحَقَّ هُوَ قُلْ بَلٰی وَ رَبِّی أَنَّهُ الْحَقُّ وَ مَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِینَ﴾، یونس / ۵۳.
- ۸- ﴿فَو رَبِّكَ لَنَسْتَلْثَمَهُمْ أَجْمَعِینَ عَمَّا کَانُوا یَعْمَلُونَ﴾، حجر / ۹۳.
- ۹- ﴿فَو رَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَنَّهُ الْحَقُّ وَ مَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِینَ﴾، ذاریات / ۲۳.
- ۱۰- ﴿زَعَمَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَنْ لَنْ یُعْثُوا قُلْ بَلٰی وَ رَبِّی لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَلَّمْتُمْ ذَلِكَ عَلَىٰ اللَّهِ یَسِیرَ﴾، تغابن / ۷.
- ۱۱- ﴿وَ السَّمَاءِ وَ مَا بَنَاهَا﴾، شمس / ۵.
- ۱۲- ﴿وَ الْأَرْضِ وَ مَا طَحَاهَا﴾، شمس / ۶.
- ۱۳- ﴿وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا﴾، شمس / ۷.
- ۱۴- ﴿وَ مَا خَلَقَ الذَّکَرِ وَ الْأُنْثٰی﴾، لیل / ۳.

■ سوگند به فرشتگان:

- ۱- ﴿وَ الصَّافَاتِ صَفًا * فَالْزَاجِرَاتِ زَجْرًا * فَالتَّالِیَاتِ ذُکْرًا * إِنَّ الْهَکْمَ

لِوَاحِدٍ ، الصافات / ۱-۴.

- ۲- ﴿و المرسلات عرفاً * فالعاصفات عصفاً * والناشرات نشراً * فالفارقات فرقاً * فالملقيات ذكراً * عذراً أو نذراً * انما توعدون لواقع﴾، مرسلات / ۱- ۷.
- ۳- ﴿و النازعات غرقاً * و الناشطات نشطاً * و السابحات سبحاً * فالسابقات سبقاً * فالمدبرات امراً﴾، نازعات / ۱- ۵.

■ سوگند به پیامبر ﷺ :

- ۱- ﴿لعمرك انهم لفي سكرتهم يعمهون﴾، حجر / ۷۲.
- ۲- ﴿و شاهد و مشهود﴾، بروج / ۳.
- ۳- ﴿لا اقسام بهذا البلد * و انت حل بهذا البلد﴾، بلد / ۱ و ۲.

■ سوگند به قرآن:

- ۱- ﴿يس * و القرآن الحكيم * انك لمن المرسلين * على صراط مستقيم﴾، يس / ۱- ۴.
- ۲- ﴿حم * و الكتاب المبين * انا انزلناه في ليلة مباركة انا كنا منذرين﴾، دخان / ۱- ۳.
- ۳- ﴿ق * و القرآن المجيد﴾، ق / ۱.
- ۴- ﴿حم * و الكتاب المبين﴾، زخرف / ۱ و ۲.
- ۵- ﴿ص * و القرآن ذي الذكر﴾، ص / ۱.

■ سوگند به قیامت:

- ۱- ﴿لا اقسام بيوم القيامة﴾، قیامت / ۱.
- ۲- ﴿و اليوم الموعود﴾، بروج / ۲.

■ سوگند به نفس انسانی:

- ۱- ﴿و نفس و ما سواها * فالهمها فجورها و تقواها * قد افلح من زكياها * و قد خاب من دسها﴾، شمس / ۷- ۱۰.

■ سوگند به وجدان انسانی:

۱- ﴿وَلَا اقْسَمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ﴾، قیامت / ۲.

■ سوگند به قلم، نوشته و دوات:

۱- ﴿يٰۤاَيُّهَا الْقَلَمُ مَا يَسْطُرُونَ﴾، قلم / ۱.

■ سوگند به کتاب:

۱- ﴿كِتَابٍ مَّسْطُورٍ فِي رَقٍّ مَّنْشُورٍ﴾، طور / ۲ و ۳.

■ سوگند به اسب‌های پیکارگران:

۱- ﴿وَالْعَادِيَاتِ ذَبْحًا * فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا * فَالْمُغِيرَاتِ صِبْحًا﴾، عادیات / ۱- ۵.

■ سوگند به پدر و فرزند:

۱- ﴿وَالِدٍ وَّ مَا وَلَدٍ﴾، بلد / ۳.

■ سوگند به آسمان:

۱- ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحَبْكَ﴾، ذاریات / ۷.

۲- ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾، بروج / ۱.

۳- ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ﴾، طارق / ۱۱.

۴- ﴿وَالسَّمَاءِ (وَمَا بَنَاهَا)﴾، شمس / ۴.

۵- ﴿وَالسَّمَاءِ (وَالطَّارِقِ)﴾، طارق / ۱.

۶- ﴿وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ﴾، طور / ۵.

■ سوگند به خورشید و نور آن:

۱- ﴿وَالشَّمْسِ وَضُحِيِّهَا﴾، شمس / ۱.

■ سوگند به سپیده صبح:

- ۱- ﴿و الصّبح اذا اسفر﴾، مدثر / ۳۴.
- ۲- ﴿و الصّبح اذا تنفس﴾، تکویر / ۱۸.
- ۳- ﴿و الفجر﴾، فجر / ۱.

■ سوگند به چاشتگاه:

- ۱- ﴿و الشمس و ضحیها﴾، شمس / ۱.
- ۲- ﴿و الضحی﴾، ضحی / ۱.

■ سوگند به روز:

- ۱- ﴿و النهار اذا جلیها﴾، شمس / ۴.
- ۲- ﴿و النهار اذا تجلی﴾، لیل / ۲.

■ سوگند به غروب آفتاب:

- ۱- ﴿فلا أقسم بالشفق﴾، انشقاق / ۱۷.

■ سوگند به شب و آنچه شب جمع نماید:

- ۱- ﴿و اللیل اذا ادبر﴾، مدثر / ۳۳.
- ۲- ﴿و اللیل اذا عسعس﴾، تکویر / ۷.
- ۳- ﴿و اللیل و ما وسق﴾، انشقاق / ۱۷.
- ۴- ﴿و اللیل اذا یسر﴾، فجر / ۴.
- ۵- ﴿و اللیل اذا یغشیها﴾، شمس / ۴.
- ۶- ﴿و اللیل اذا یغشی﴾، لیل / ۱.
- ۷- ﴿و اللیل اذا سجد﴾، ضحی / ۲.

■ سوگند به شب‌های دهگانه:

۱- ﴿و لیلای عشری﴾، فجر / ۲.

■ سوگند به ستارگان:

۱- ﴿فلا اقسام بالخنس الجوار الكنس﴾، تکویر / ۱۵ و ۱۶.

۲- ﴿و النجم اذا هوی﴾، نجم / ۱.

۳- ﴿فلا اقسام بمواقع النجوم و انه لقسم لو تعلمون عظیم﴾، واقعه / ۷۵.

۴- ﴿و الطارق * و ما ادراك ما الطارق * النجم الثاقب﴾، طارق / ۱ - ۳.

■ سوگند به زمین:

۱- ﴿و الأرض و ما طحیها﴾، شمس / ۶.

۲- ﴿و الأرض ذات الصدع﴾، طارق / ۱۲.

■ سوگند به ماه:

۱- ﴿کأ و القمر﴾، مدثر / ۳۲.

۲- ﴿و القمر اذا تلیها﴾، شمس / ۲.

۳- ﴿و القمر اذا اتسق﴾، انشقاق / ۱۸.

■ سوگند به باد:

۱- ﴿و الذاریات ذرواً﴾، ذاریات / ۱.

■ سوگند به ابر:

۱- ﴿فالحاملات و قرأ﴾، ذاریات / ۲.

■ سوگند به مکه:

۱- ﴿لا اقسام بهذا البلد﴾، بلد / ۱.



۲- ﴿و هذا البلد الأمين﴾، تین / ۳.

■ سوگند به محل فرود وحی بر موسی:

۱- ﴿و الطور﴾، طور / ۱.

۲- ﴿... و طور سینین...﴾، تین / ۲.

■ سوگند به خانه آباد:

۱- ﴿و البيت المعمور﴾، طور / ۴.

■ سوگند به دریا:

۱- ﴿و البحر المسجور﴾، طور / ۶.

■ سوگند به کشتی:

۱- ﴿و الجاریات یسراً﴾، ذاریات / ۳.

■ سوگند به دو نمونه از غذای انسان:

۱- ﴿و التین و الزیتون﴾، تین / ۱.

■ سوگند به عصر (زمان):

۱- ﴿و العصر﴾، عصر / ۱.

■ سوگند به جفت و طاق:

۱- ﴿و الشفع و الوتر﴾، فجر / ۳.

■ سوگند به تمام هستی (دیدنی‌ها):

۱- ﴿فلا أقسم بما تبصرون﴾، الحاقه / ۳۸.

■ سوگند به نادیدنی‌ها:

۱- ﴿فلا أقسم بما... ما لا تبصرون﴾، الحاقه / ۳۹.

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

* * *